

نگاهی به سیره اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین سید محمدرضی آصف آگاه اشکوری*

مقدمه

خداوند در قرآن می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۱ ما آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت کنند و انجام خیرات، اقامه نماز و دادن زکات را به آنان وحی کردیم و آنان پرستش کنندگان ما بودند». بر اساس این آیه، شیعه باید سیره امامان علیهم السلام را الگوی زندگی خویش قرار دهند؛ زیرا تمسک به سیره اهل بیت علیهم السلام، موجب رستگاری و تخلف از سیره ایشان، موجب هلاکت می شود؛ چنانکه در زیات جامعه کبیره می خوانیم: «... وَفَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَآمَنَ مِنْ لَجَأِ الْيُكُومِ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَ هُدِيَ مِنْ اِغْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ...»^۲ هر که به شما تمسک جست، به رستگاری رسید و هر که به شما پناه آورد، ایمنی یافت. کسی که شما را تصدیق نمود، سالم ماند و هر که متمسک به شما شد، هدایت یافت. کسی که از شما پیروی کرد، بهشت جای اوست و هر که با شما مخالفت ورزید، آتش جایگاه اوست». این نوشتار می کوشد برخی از زوایای سیره اجتماعی امام مجتبی علیه السلام را تبیین نماید.

نموده‌هایی از سیره اجتماعی امام حسن علیه السلام

۱. حفظ کرامت انسانی

«کرامت انسانی»، یکی از اساس‌ترین ویژگی‌های انسان و بیانگر ارزشمندی و والایی ذاتی انسان و برتری او نسبت به موجودات دیگر است؛ چنانکه قرآن می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. انبیا: ۷۳.

۲. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^۱؛
تَفْضِيلًا^۱؛ به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر
نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری
آشکار دادیم».

علامه طباطبایی^۲ در تفسیر این آیه شریفه فرموده است: «مراد از آیه، بیان حال جنس بشر
است؛ صرف‌نظر از کرامت‌های خاص و فضایل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده
است».^۲ آیت‌الله جوادی آملی نیز می‌فرماید: «صیانت از کرامت انسانی در اندیشه حقوق
اسلامی، کرامت از آن فضایل برجسته‌ای است که خدای سبحان فرشتگان را به این وصف ستود
و انسان‌های وارسته را به این وصف موصوف کرد».^۳

بر این اساس حفظ کرامت انسانی در آیات قرآن و سیره معصومان^۴ مورد تأکید قرار
گرفته و توجه به ارزش ذاتی او از جهت انسان بودن، اهمیت ویژه‌ای داشته و رنگ و نژاد و جنس
و زبان و حتی دین افراد، این ارزش را تحت تأثیر قرار نداده است. این در حالی است که متأسفانه
امروزه کرامت و ارزش انسان، مسئله‌ای است که در برخی جوامع بشری فراموش شده است.
ملت‌های استعمارگر برای رسیدن به اهداف استعماری خود، از هیچ ظلم و ستمی نسبت به
انسان‌های دیگر دریغ نمی‌کنند. نعمت‌هایی چون عقل، حق حیات و استفاده طبیعی از آنچه
خداوند مسخر انسان ساخته است، حق مسلم هر انسانی است.^۴

یکی از ویژگی‌های اخلاقی امام حسن^۵، ارج نهادن به «کرامت انسانی» است؛ چنانکه در
سیره اجتماعی آن حضرت می‌توان اوج اکرام و بزرگداشت مؤمن را مشاهده کرد:

مردی نامه‌ای را به دست امام حسن^۶ داد که در آن حاجت خود را نوشته بود. امام^۷
بدون اینکه نامه را بخواند، به او فرمود: «حاجت چیست؟». شخصی عرض کرد:
«ای فرزند رسول خدا! خوب بود نامه‌اش را می‌خواندی و می‌دیدی حاجتش چیست و
آن‌گاه بر طبق حاجتش پاسخ می‌دادی؟». امام^۸ فرمود: «بیم آن دارم که خدای تعالی
تا به این مقدار که من نامه‌اش را می‌خوانم، از خواری مقامش مرا مورد مؤاخذه قرار

۱. اسراء: ۷۰.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره کرامت انسان»، ۱۳۹۱/۰۷/۰۶، کد خبر:
۹۳۹۱۶. <https://hawzah.net/fa/News/View/93916>

۴. مصطفی سلیمی زارع و کاظم قاضی‌زاده، «کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات»، مجله بینات، ص ۷۰.

دهد».^۱

در روایت آمده است امام حسن علیه السلام به مسئول اموال خود فرمود: «ما مجموعاً چقدر پول داریم» و او عرض کرد: «دوازده هزار درهم». حضرت به او دستور داد همه را بیاورد. او عرض کرد: «این، مخارج سال ماست و چیزی باقی نمی ماند». امام علیه السلام فرمود: «تو کلت به خدا زیاد باشد». او تمام آن اموال را آورد و حضرت همه را به فقیر داد و فرمود: «این مال کم را قبول کن و گویا تو چیزی به ما نفروختی و ما هم چیزی از تو نخریدیم (آبروی تو کاملاً محفوظ است) و این هم مال اندکی بود که ما در بساط داشتیم».^۲

۲. تواضع و فروتنی

یکی از گزاره‌های اخلاق دینی، تواضع و فروتنی است؛ چنانکه خداوند خطاب به رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمُؤْمِنِينَ»^۳ بال [عطوفت] خود را برای مؤمنان فرود آر». تواضع، حالت خشوع و خضوع درونی است که نشانه‌های آن در رفتار آشکار می شود. تواضع به معنای قرار دادن نفس در مرتبه پایین تر است.^۴ «خَفِضَ الْجَنَاحَ كِنَايَةً عَنِ اللَّيْنِ وَالرَّفْقِ وَ التَّوَاضُعِ»،^۵ بر این اساس خَفِضَ جَنَاحَ، کنایه از فروتنی همراه با محبت است.^۶

یکی از آموزه‌های اخلاقی امام حسن علیه السلام، فروتنی است؛ چنانکه راوی می گوید:

حسن بن علی علیه السلام بر فقرایی عبور کرد که آنان خرده‌های نان را بر روی زمین گذاشته بودند و آن‌ها را بر می داشتند و می خوردند. آنان به آن حضرت عرض کردند: «ای فرزند دختر رسول خدا! برای خوردن ناهار جلو بیا». امام علیه السلام نزد آنان رفت و نشست و فرمود: «خداوند افراد متکبر و مغرور را دوست ندارد». سپس همراه آنان شروع به خوردن نمود تا اینکه از خوردن دست کشیدند... سپس آنان را به میهمانی خود دعوت، به آنان غذا و لباس داد.^۷

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، زندگانی امام حسن علیه السلام، ص ۳۳۹.

۲. پرتال فرهنگی راسخون، «آشنایی با سیره امام حسن علیه السلام»، ۱۳۹۹/۰۲/۰۷، کد مطلب: ۱۵۱۷۲۷۷.

<https://rasekhoon.net/lifestyle/show/1517277>

۳. حجر: ۸۸.

۴. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۱۳۱.

۵. محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۶۲.

۶. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۷۲.

۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۵۲.

یکی از بزرگان نقل کرده‌اند: زمانی یکی از طلاب بیمار شد. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله، دارویش را تهیه کرد و به منزل برد و به خانواده دستور داد که آن را آماده کنند. سپس خودش دارو را به حجره آن طلبه آورد و حتی به خادمش نداد که بیاورد.^۱ نظر کردن به درویشان منافی بزرگی نیست

سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش^۲

۳. عفو و صفح

آموزه‌های دینی گویای جایگاه و اهمیت عفو و بخشش از خطاهای یکدیگر است؛ زیرا برقراری رابطه دوستانه میان هم‌نوعان بدون عفو و گذشت امکان ندارد. از این رو عفو و گذشت از نظر عقل و آموزه‌های وحیانی، رفتاری ارزشی و هنجاری پسندیده است. خداوند در آیات متعددی بر اهمیت و ارزشمندی عفو و گذشت تأکید کرده و حتی از صاحبان حق خواسته است که از حق خویش بگذرند و اشتباه دیگران را نادیده بگیرند: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۳ و نیکی و بدی یکسان نیست؛ به شیوه‌ای که آن بهتر است، پاسخ گوی.»

یکی از ویژگی‌های سیره اجتماعی امام حسن علیه‌السلام بخشش خطای دیگران است؛ چنانکه وقتی حضرت دید پای گوسفند شکسته است، پرسید: «چه کسی شکسته است؟». غلام حضرت عرض کرد: «من شکستم. می‌خواستم شما را ناراحت کنم». حضرت تبسمی کرد و فرمود: «این‌ها به خاطر این است که تو آزاد نیستی». سپس او را آزاد کرد و هدیه خوبی به او داد.^۴ بر این اساس امام حسن علیه‌السلام از شیعیان انتظار دارد که نه تنها خطاهای دیگران را به سادگی ببخشند؛ بلکه خطای او را با هدیه جبران کنند؛ زیرا قرآن مردم را افزون بر عفو، به صفح و نادیده گرفتن خطای دیگران سفارش می‌کند: «وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟»^۵ و باید که ببخشند و درگذرند. آیا دوست نمی‌دارید که خداوند شما را بیامرزد؟». در تفاوت معنایی «عفو» و «صفح» گفته‌اند که صفح، یک مرتبه برتر و بلیغ‌تر از عفو است؛ زیرا در عفو نکوهش

۱. رضا مختاری، سیمای فرزندان، ص ۲۸۸.

۲. دیوان حافظ، غزل ۲۷۸.

۳. فصلت: ۳۵.

۴. باقر شریف قریشی، حیاة الإمام الحسن علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۱۴.

۵. نور: ۲۲.

زبانی نفی نشده است، اما در صفح افزون بر بخشش خطا، به خطاکار روی خوش نشان داده می‌شود و هیچ نوع شماتتی نسبت به او انجام نمی‌شود؛ چنانکه شهید مطهری رحمته الله علیه می‌نویسد:

صفح... با عفو تفاوت دارد. وقتی کسی کار خطایی می‌کند، هم استحقاق معاقبه و مجازات دارد و هم استحقاق ملامت. عفو، گذشت از مجازات است؛ ولی صفح يك درجه بالاتر است. صفح این است که انسان نه تنها آن مجازات معمول را انجام نمی‌دهد؛ بلکه اصلاً نامش را هم نمی‌برد، به روی طرف هم نمی‌آورد، اسمش را هم نمی‌برد و لهذا اولیاء الله همیشه مقامی بالاتر از عفو دارند؛ یعنی عفو آن‌ها به صورت صفح است.^۱

در دوران زعامت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله علیه در شبی از شب‌ها که ایشان در نجف اشرف نماز مغرب و عشا را به جماعت می‌خواندند، شخصی بین دو نماز فرزند ایشان را شهید کرد. وقتی این پیرمرد هفتاد ساله از شهادت فرزندش باخبر شد، بسیار بردباری و صبوری و بزرگواری از خود نشان داد و فرمود: «لا حول و لا قوة الا بالله» و نماز عشا را خواند و قاتل فرزند را هم عفو کرد.^۲

چاره دفع بلا نبود ستم
چاره، احسان باشد و عفو و کرم^۳
بدی را بدی سهل باشد جزاء
اگر مردی احسن الی من اساء^۴

۴. بخشش مالی

بذل و بخشش در راه خدا، یکی از ویژگی‌های اخلاقی امام حسن علیه السلام است که زبانزد خاص و عام می‌باشد تا آنجا که امام علیه السلام به «کریم» موصوف شد. البته همه ائمه علیهم السلام کریم بودند، اما کریم بودن امام حسن مجتبی علیه السلام صفات دیگرش را تحت الشعاع قرار داد؛ چنانکه امام علیه السلام در طول عمر خود دو بار اموال خود را در راه خدا تقسیم کردند و سه بار نیز ثروت خود را با فقرا به طور مساوی تقسیم نمود.^۵ در روایتی آمده است: «خَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَ قَاسَمَ اللَّهُ مَالَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ...»^۶ آن حضرت دو بار تمامی دارایی خویش را در راه خدا دادند و سه

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۳۹۰.

۲. رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۳. محمد مولوی بلخی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت ۲۹۹۰.

۴. مصلح‌الدین سعدی، بوستان، باب دوم، بخش ۲۳.

۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۹۰ و ۹۱.

۶. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۴.

بار اموال خود را با خدا تقسیم کردند...». نقل شده است امام حسن علیه السلام سوار اسب زیبایی بود، فردی دست بر سر اسب کشید و گفت: «می‌خواهم صاحب آن باشم». حضرت از اسب پایین آمد و اسب را به او بخشید.^۱

بخشش تنها این نیست که انسان به فقرا کمک مالی کند؛ بلکه گاهی واسطه‌گری، راهنمایی و وادار کردن دیگران به انفاق، کمتر از خود انفاق ثواب ندارد. گاهی انمه علیه السلام چنین روشی داشتند. روزی فقیری از امام حسن علیه السلام درخواست کمک کرد. اتفاقاً در آن هنگام امام علیه السلام پولی در بساط نداشت و از طرف دیگر از اینکه فرد تهیدستی از در خانه‌اش نا امید برگردد، ابا داشت؛ از این رو فرمود: «آیا حضری تو را به کاری راهنمایی کنم که به مقصودت برسی؟». عرض کرد: «چه کاری؟». فرمود: «امروز دختر خلیفه از دنیا رفته و او عزادار شده و هنوز کسی به او تسلیت نگفته است. نزد وی برو و با سخنانی که به تو یاد می‌دهم، به وی تسلیت بگو که از این راه به هدف خود می‌رسی». عرض کرد: «چگونه تسلیت بگویم؟». فرمود: «وقتی نزد خلیفه رسیدی، بگو خدا را سپاس که او را با نشستن تو بر قبرش پوشیده داشت و با نشستش بر قبرت مورد هتک حرمت قرار نداد؛ یعنی اگر دخترت پیش از تو از دنیا رفته و زیر خاک پنهان شده، در عوض زیر سایه پدر بوده؛ ولی اگر تو پیش از او از دنیا می‌رفتی، دخترت پس از مرگ تو در به‌در می‌شد و ممکن بود مورد هتک حرمت واقع شود». مرد فقیر به این ترتیب عمل کرد. این جمله‌های عاطفی در روان خلیفه اثر عمیقی بر جای نهاد و از حزن و اندوه وی کاست و دستور داد جایزه‌ای به مرد فقیر بدهند. آن‌گاه پرسید: «این سخن از آن خودت بود؟». گفت: «نه، حسن بن علی علیه السلام آن را به من آموخته است». خلیفه گفت: «راست می‌گویی. او منبع سخنان فصیح و شیرین است».^۲

امام حسن علیه السلام سعی می‌کرد ضمن تشویق دیگران به دستگیری از مستمندان، موارد انفاق را نیز بیان کند؛ زیرا امام علیه السلام با این کار عملاً به نیازمندان می‌فهماند که جز در موارد خاص تقاضای کمک نکنند؛ زیرا ممکن است این امر موجب تبلی انسان شود. روزی عثمان در کنار مسجد نشسته بود، مرد فقیری از او کمک مالی خواست. عثمان پنج درهم به وی داد. آن فقیر گفت: «مرا نزد کسی راهنمایی کن که کمک بیشتری کند». عثمان به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

۱. همان، ص ۳۵۷.

۲. محمدباقر مجلسی، زندگانی حضرت زهر علیه السلام و امام حسن علیه السلام (ترجمه ج ۴۳ بحارالأنوار)، ترجمه محمد روحانی علی‌آبادی، ص ۳۹۶.

اشاره کرد. وی پیش ایشان رفت و درخواست کمک نمود. امام مجتبی علیه السلام فرمود: «درخواست کردن از دیگران جایز نیست، مگر در سه مورد: دیه‌ای به گردن انسان باشد که از پرداخت آن عاجز است یا بدهی و دینی کمرشکن داشته باشد که توان ادای آن را ندارد و یا فقیر و درمانده گردد و دستش به جایی نرسد. کدام یک از این موارد برای تو پیش آمده است؟». عرض کرد: «اتفاقاً گرفتاری من یکی از همین سه چیز است. آن‌گاه حضرت پنجاه دینار به وی داد و به پیروی از آن حضرت، امام حسین علیه السلام چهل و نه دینار به وی عطا کردند. فقیر هنگام برگشت از کنار عثمان گذشت، عثمان گفت: «چه کردی؟». جواب داد: «تو کمک کردی، ولی هیچ نپرسیدی پول را برای چه منظوری می‌خواهم؟ اما امام حسن علیه السلام در مورد مصرف پول از من سؤال کرد؛ آن‌گاه پنجاه دینار عطا فرمود». عثمان گفت: «این خاندان کانون علم و حکمت و سرچشمه نیکی و فضیلت هستند. نظیر آن‌ها را کی می‌توان یافت؟».^۱

آبرو هرگز ندارد آن‌که در هر صبح و شام

پیش دُونان،^۲ پشت را بهر دو نان خم می‌کند^۳

۵. رعایت ادب در نشست و برخاست

آداب معاشرت، نمایش از رفتار انسان در روابط اجتماعی و حضور در جمع است. در بسیاری از موقعیت‌ها، رعایت جزئی‌ترین مسائل اخلاقی می‌تواند سبب جلب دیگران شود و محبوبیت اجتماعی انسان را افزایش دهد. بر این اساس یکی از آداب اجتماعی، رعایت حرمت انسان است که در نشست و برخاست و هم‌صحبت شدن با دیگران ظهور می‌کند؛ یعنی در آموزه‌های دینی حسن معاشرت تا بدان اندازه گسترده و دقیق است که حتی چگونگی برخورد با یک تازه‌وارد از مجلس و جا باز کردن برای وی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از آموزه‌های سیره اجتماعی امام مجتبی علیه السلام، رعایت آداب نشست و برخاست است؛ یعنی امام علیه السلام در جزئی‌ترین مسائل مانند نشست و برخاست، آداب اجتماعی را رعایت می‌کرد تا الگویی برای ما شیعیان باشد. نقل شده است که روزی امام حسن علیه السلام در مکانی نشسته بود و هنگامی که خواست از آنجا برود، فقیری وارد شد. امام علیه السلام به آن مرد فقیر خوش آمد گفت و با او ملاطفت

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۲.

۲. حقیران، فرومایگان.

۳. فرخی یزدی.

کرد و سپس به او فرمود: «ای مرد! تو وقتی نشستی که ما برای رفتن برخاستیم، آیا اجازه رفتن به من می‌دهی؟». مرد فقیر عرض کرد: «آری، ای پسر رسول خدا».^۱

۶. رعایت حقوق حیوانات

حیوانات، موجودات زنده‌ای هستند که برخی از آن‌ها به انسان‌ها خدمت می‌کنند. از این رو در آموزه‌های دینی برای حیوانات حقوق تعریف شده است که از جمله آن، تأمین غذای آن‌هاست؛ چنانکه پیامبر فرموده است: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَهِيَ تَسْأَلُ اللَّهَ كُلَّ صَبَاحٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَلِيكًا صَالِحًا يُشْبِعُنِي مِنَ الْعَلْفِ وَيُرِيئِي مِنَ الْمَاءِ»^۲؛ هیچ جنبنده‌ای نیست، جز آنکه هر صبح از پروردگار درخواست می‌کند: خدایا! صاحبی نیکوکار نصیب کن که سیر و سیرابم سازد». امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «خدای والا سیراب کردن تشنگان را دوست دارد و کسی که حیوانی تشنه‌کام یا جز آن را سیراب کند، خدا او را در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست؛ در سایه عرش خود جای می‌دهد».^۳ بر این اساس امام حسن علیه السلام با حیوانات کریمانه برخورد می‌کرد؛ چنانکه نجیح می‌گوید:

حسن بن علی علیه السلام را دیدم که غذا می‌خورد و سگی کنار اوست. هر لقمه‌ای که می‌خورد، لقمه‌ای به سگ می‌دهد. عرض کردم آیا اجازه می‌دهی سگ را با سنگ برانم؟ حضرت فرمود: «دَعُهُ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ ذُو رُوحٍ يَنْظُرُ فِي وَجْهِ وَ أَنَا أَكُلُ ثُمَّ لَا أُطْعِمُهُ»^۴؛ آن سگ را به حال خود واگذار. من از خدا شرم دارم که حیوان دارای روحی به من نگاه کند و من چیزی بخورم و به آن حیوان ندهم». در روایت دیگری آمده است که روزی امام علیه السلام دید غلامی قرص نانی در دست داشت، تکه‌ای خود می‌خورد و تکه‌ای به سگی که پیش رویش بود، می‌داد. امام علیه السلام از انگیزه‌اش پرسید، غلام گفت: «از خدا شرم دارم خود بخورم و به آن سگ چیزی ندهم». امام علیه السلام پیش مولای غلام رفت و غلام را با باغی که در آن زندگی می‌کرد، خرید. سپس غلام را آزاد کرد و باغ را به او بخشید.^۵

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، زندگانی امام حسن علیه السلام، ص ۳۳۰.

۲. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۳۵.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۵۲.

۵. سید هاشم رسولی محلاتی، زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام، ص ۳۳۶.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، چاپ چهارم، قم: مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵ش.
۳. رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی امام حسن علیه السلام، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۴. قریشی، باقر شریف، حیاة الإمام الحسن علیه السلام، تحقیق: مهدی باقر قرشی، چاپ اول، [بی جا]: انتشارات مهر دلدار، ۱۴۲۹ق.
۵. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۸. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت زهر علیه السلام و امام حسن علیه السلام (ترجمه ج ۴۳ بحار الانوار)، ترجمه محمد روحانی علی آبادی، مهام، ۱۳۷۷ش.
۱۰. _____ بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، چاپ ۲۶، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷ش.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.

نشریات

۱. سلیمی زارع، مصطفی و کاظم قاضی زاده، «کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات»، فصلنامه بینات، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶، ص ۹۵ - ۶۸.